

می‌دهد. سیر المتأخرین در کلکته و در لکنهو به چاپ رسیده است؛ (۲) بشارة الامامه که مثنوی در شرح احوال نیاکان مؤلف است؛ (۳) شرح مثنوی معنوی؛ (۴) فواتح درباره حق خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) و جانشینان آن حضرت؛ (۵) دیوان شعر؛ (۶) تلخیص ترجمه قطبشاهی ابن خاتون که خود ترجمه فارسی اربعین شیخ بهایی است.

منابع: اعیان الشیعه، ۳۸۵۱۸؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیایی، ۲۸۰؛ مغولان در هند، ۱۵۷؛ مکارم الآثار، ۱۱۳/۱؛ نزهة الخواطر، ۲۰۱/۶. حسن انوشه

عظام مردم را به وی ارجاع می‌دادند. از آثار او است: حاشیه بر زیلته الاصول فی اصول الفقه، شیخ بهائی؛ حاشیه بر قوانین الاصول فی اصول الفقه، میرزای قمی. سرانجام این عالم وارسته در ۹ ربیع الاول ۱۲۴۹ ق بر اثر طاعون وفات یافت و در کنار قبر والدش سید جواد در بروجرد به خاک سپرده شد.

منابع: اعیان الشیعه، ۳۶۷/۸، الذریعة، ۱۰۳/۶، ۱۷۸؛ ریحانة الادب، ۳۰۱/۴؛ فرهنگ اثر آفرینان، ۹۱/۴؛ فرهنگ بزرگان، ۳۴۷؛ معجم المؤلفین، ۲۵۵/۷؛ مکارم الآثار، ۱۳۴/۲/۴؛ موسوعة الطبقات النخشاء، سبحانی، ۴۲۵/۱۳. حسین سرمدمحمدی

طباطبایی، غلامحسین خان (۱۱۴۰ - ۱۲۰۰ ق)

فرزند هدایتعلی فرزند فیض الله حسینی، ادیب، تاریخ نگار و عالم دینی ایرانی تبار هندی. نیاکانش از ایران به هند کوچیدند. نیای بزرگ او سید علیم الله خان از مشایخ بزرگ هند بود (م عظیم آباد، ۱۱۵۶ ق). پدرش در دوره فرمانروایی مهابت جنگ و بعد در ایالت بهار و در دوران محمد شاه گورکانی مناصبی داشت. و سرانجام در ۱۱۷۹ ق در جاگیر خود حسین آباد درگذشت. غلامحسین در دهلی به دنیا آمد و هنگامی که پنج سال داشت با مادر بزرگ مادری خود که عمه مهابت جنگ بود در مرشد آباد نزد وی رفت و چون مهابت جنگ بر عظیم آباد (پتنه) استیلا یافت، غلامحسین با پدر و مادر خود به آن دیار رهسپار شد. غلامحسین خان یکچند میرمنشی شاه عالم و چندی نیز نماینده نواب قاسمعلی خان (م ۱۱۹۱ ق) حاکم بنگال در کلکته بود. پس از اینکه در مشاغل و جاهای گوناگون به انگلیسیها خدمت کرد سرانجام در جاگیر خود حسین آباد که ملک موروثی او بود گوشه گرفت و در همانجا درگذشت.

آثار طباطبایی عبارتند از: (۱) سیر المتأخرین در تاریخ هند که مهمترین اثر او است. طباطبایی این اثر را در ۱۱۹۴-۱۱۹۵ ق در دو مجلد نوشته است. جلد نخست این کتاب یا مقدمه آن که بیشتر از خلاصه التواریخ سبحان رای گرفته شده و به وارن هستینگر فرماندار انگلیسی هند اتحاف شده توصیف عمومی هندوستان و ایالات و شهرها و فرآوردههای کشاورزی و گزیده تاریخ هند از روزگار باستان تا مرگ اورنگ زیب (۱۱۱۸ ق) است. جلد دوم کتاب که بخش اصلی آن واز مهمترین منابع تاریخ هند است در تاریخ عمومی این سرزمین از ۱۱۱۸ تا ۱۱۹۵ ق است و گزارشی درباره رویدادهای هفت پادشاه آخری هند از دودمان گورکانیان و شرحی درباره پیشروی انگلیسیها در بنگال تا ۱۷۸۱ م و حکومت و سیاست آنها در این سرزمین به دست

طباطبایی، سید محمد (۱۲۵۷ - ۱۳۴۰ ق) از رهبران روحانی و بلند پایه جنبش مشروطیت ایران پدر او سید محمد صادق طباطبایی حدود شصت سال در تهران ریاست روحانی داشت. طباطبائی در کر بلا زاده شد. سید محمد فقه و اصول را نزد پدرش و علوم عقلی را از میرزای جلوه (۱۲۳۸ - ۱۳۱۴ ق) و اخلاق را از حجاج شیخ هادی نجم آبادی (م ۱۳۲۰ ق) فرا گرفت. در سال ۱۲۹۹ ق به روسیه و عثمانی رفت و از آنجا به زیارت حج رفت و سپس در سامرا رحل اقامت افکند و در درس میرزای شیرازی (م ۱۳۱۲ ق) شرکت جست. بیش از دوازده سال از حوزه درس میرزا بهره برد و در این مدت او از شاگردان برجسته شیرازی به شمار می‌آمد. و در امور اجتماعی و سیاسی نیز از مشاوران مورد اعتماد وی بود. افزون بر آن طباطبایی از گذشته با سید جمال الدین اسدآبادی (۱۲۵۴ - ۱۳۱۴ ق) نیز ارتباط و دوستی داشت و از پیروان او بود.

طباطبایی، که از طریق سفرهای خارجی و مطالعه مطبوعات و کتابها و دیدار با جهانگردان و ارتباط مکتوب با سید جمال الدین و اثر پذیری مستقیم از شیخ هادی نجم آبادی کم و بیش با تحولات دنیای جدید و وضعیت نامطلوب ایران آشنا شده بود، پس از مرگ ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ ق و بازتر شدن نسبی فضای سیاسی کشور، مجال بیشتری برای گسترش افکار آزادیخواهانه و نوگرایانه‌اش پیدا کرد و از نظر اجتماعی و علمی نیز نقش مستقیم‌تری بر عهده گرفت. او مدرسه اسلام راه که یک مدرسه پسرانه بود، تأسیس کرد که مدیریت آن با فرزندش سید محمد صادق طباطبایی بود. بنا نهادن این مدرسه به سبک مدرسه رشیدی، عدم تعارض آموزش جدید با دینان را مورد تأیید قرار داد و از بانیان معارف جدید عملاً حمایت کرد.

با توجه بدین اندیشه و پیشینه بود که از آغاز ظهور جنبش مشروطه خواهی ایران، طباطبایی در شمار رهبران درجه اول جنبش درآمد.

29 Haziran 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

راهنمای کتاب



انجمن کتاب

مدیر مسؤول
ایرج افشار

صاحب امتیاز
احسان یارشاطر

سال بیست و یکم

۸۹۱

۱۹۷۸ = ۱۳۹۸ = ۱۳۵۷ = ۲۵۳۷



فهرست مندرجات

- ۳- چیزهای دیگر که از کتابخانه باید آموخت عبدالحسین زرین کوب
آثار معاصران
۱۲- هزار آوا (شعر) فریدون توللی
عقاید و آراء
۱۴- میرزا ملکم خان کریم مجتهدی
تحقیقات
۲۵- سید محمد طباطبائی (با یادداشتی از محمد اسماعیل رضوانی) . حسین محبوبی اردکانی
۳۷- جریانهای ادبی در مجلات فارسی ایرج افشار
انتقاد کتاب
۵۱- داستان من و شعر محمد جعفر یاحقی
۵۸- آسیا در برابر غرب بزرگ نادرزاد
۶۴- تره‌های سلطنتی ایران و کشمیر ایرج افشار
۶۷- یعقوب لیث سید محمدعلی جمالی
۷۶- اطلس عمومی و مصور افغانستان ثناء الله سنا
محققان و مؤلفان معاصر
۸۱- امیری فیروزکوهی
کتابهای چاپ قدیم
۸۵- دیوان منظومه میرزا عبدالرسول زونوزی و دیوان نشاطی خان ایرج افشار
کتابشناسی
۹۰- معرفی کتابهای خارجی درباره ایران ایرج افشار
حاشیه - اسناد و مدارک قدیم - نامه‌ها - اخبار
معرفی کتابهای تازه

آمزش می‌کنم اگرچه آمرزیده است. گمان می‌کنم این آخرین
مقاله تحقیقی او باشد.

محمد اسمعیل رضوانی

آقا سید محمد طباطبائی

آقا سید محمد طباطبائی معروف به آقا کوچک پسر مرحوم آقا سید صادق
طباطبائی سنگلجی و از خانواده آقا میرسیدعلی صاحب ریاض است. چه پدرش
نواده دختر سید محمد مجاهد پسر آقا میرسید علی مذکور است. آقا سید
محمد در ۱۹ ذی‌الحجه ۱۲۵۳ ه. ق. در کر بلا متولد شد و پس از یک سال او
را به همدان نزد پدر بزرگش آقا سید مهدی بردند و شش سال در آن شهر نزد
جدش بود، آن‌گاه او را به طهران آوردند و در این جا او را به مکتب سپردند.
معلم او ملا ابراهیم جوشقانی و یکی از همشاگردیهایش محمد حسن خان اعتماد
السلطنه بعدی بود.

در آن زمان چون مقدمات تحصیلات جدید در ایران فراهم می‌شد آقا سید
محمد هم با اینکه روحانی زاده بود تحصیل زبان فرانسه را آغاز کرد اما گویا
این رشته را چندان تعقیب نکرد. صفحه‌هایی از لغت‌هایی که احتمالاً برای
حفظ کردن نوشته در دست است.

از نظر تحصیلات دینی، فقه و اصول را پیش آقا شیخ هادی نجم آبادی^۲
و پدرش خواند و معقول را نزد میرزای جلوه.

در شوال ۱۲۹۹ ه. ق از راه استانبول به مکه مشرف شد ولی به حج
نرسید و عمره را بجا آورده در مراجعت به عتبات عالیات رفت و در حوزة درس
مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی به ادامه تحصیل پرداخت و چون اندکی بعد
پدرش درگذشت زن و فرزندان را هم به سامره که مرکز تحصیل او بود خواست.
پسر بزرگش سید ابوالقاسم اکنون به حد رشد رسیده بود و در آنجا تحصیلات

۱- تاریخ بیداری، بنیاد فرهنگ، مقدمه، ص ۶۲ و روزنامه شرافت نمره
۶۴، محرم ۱۳۲۰.
۲- خاطرات اعتمادالسلطنه، ج ۱، ص ۱۰۶۶.
۳- رجال ایران، جلد ۴، ص ۴۰۹.

داشت.

یکی از سعادت‌های بزرگ من این بود که در دوره دکتری با او هم‌دوره
و هم‌درس بودم و اکثر شبها در اطاق مطالعه تمیز و کوچک و زیبای او
تا دقایقی چند مانده به نیمه شب با او مذاکره و مباحثه علمی داشتم و
هر چند گاه یک بار با خواهش بسیار او را به کلبه خود دعوت می
کردم و از محضر پر فیض و پربرکت اولادت می‌بردم و در همه حال دوستی
او را مغتنم می‌شمردم.

قریب به یکسال قبل از مرگ به دیدن من آمد. از من خواست اگر
مدارک و اسناد منتشر نشده‌ای از مرحوم طباطبائی رهبر انقلاب مشروطیت
در دست دارم برای مطالعه به او بدهم. من با توجه به ایمان کاملی
که بتقوای او و کثرت علاقه‌ای که به او داشتم باشادی تمام اسنادی
را که به روزمان و در طی سالها گردآوری کرده بودم با انضمام تمام
فیشها و یادداشتها در اختیار او گذاشتم. هنگام خدا حافظی بشوخی
گفتم این اسناد را نگهدارید تا خودم در سر فرصت مقاله‌ای تهیه
کنم. خنده‌ای کرد و فرمود:

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد جان‌های مردان خداست

پس از چندی یادداشت‌ها و اسناد را بطور کامل به انضمام یک مقاله پس
داد و گفت: مقاله‌ای که می‌خواهی تهیه کردم، اگر مطلوب تست در
نشریه‌ای که دلت می‌خواهد چاپ کن. مقاله را خواندم و اطلاعاتی
بیش از آن چه که به او داده بودم یافتم و علاقه‌مند شدم که آن را بسا
استمداد از خود او گسترش دهم و همراه با عکس‌ها و کلیشه‌های اسناد
بصورت رساله‌ای در آورم و امیدوارم روزی این کار را انجام دهم:
اینک او از دست رفته‌است و من نیز تا کنون کار دیگران را بنام خود
چاپ نکرده‌ام و از انجام چنین عمل مشمئزکننده‌ای ابا دارم و آن را
نشانه کمال بی‌همتی می‌دانم. بنابراین مقاله مذکور را بدون هیچ
نوع تغییر و تبدیلی بیاد او و بنام او چاپ می‌کنم و برای او طلب

ای درت کعبه ارباب نجات

قبلتی وجهک فی کل صلات

هر که آمد به سعادت اینجا

انزل الله علیه البرکات



Tabatabai Muh. ...
151248
Tabatabai Seyyid Muh.
151424

فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون

دوره دوم، سال چهارم، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول و سردبیر: رسول جعفریان

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: کاظم آل‌رضا امیری

مدیر هنری: رضا سفیدکوهی

ویراستاران: مرصیه راغبیان، صفورا فضل‌اللهی

حروفچینی: آذر سرخانی

لیتوگرافی: نقره‌آبی

چاپ جلد و متن: نقره‌آبی

ناظر چاپ: نیکی ایوبی‌زاده

مقالات مندرج در پیام بهارستان، مبین آرای نویسندگان آنهاست

پیام بهارستان در ویرایش مطالب آزاد است

استفاده از مطالب پیام بهارستان با ذکر منبع آزاد است

نشانی: تهران - میدان بهارستان - کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

کدپستی: ۱۱۵۷۶۱۳۴۱۱

تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۳۷۸۰۳

دورنگار: ۰۲۱-۳۳۱۲۹۳۸۵

سایت: www.Ical.ir

ایمیل: Payam@ical.ir

شجره خاندان طباطبایی دیبا

به کوشش هادی هاشمیان

علم انساب و شجره‌نامه شناسی یکی از شاخه‌های تاریخ نگاری محلی می‌باشد که از گذشته دور در کشور ما وجود داشته و علما و دانشمندان زیادی از طریق روشهای خاص خود سعی نموده‌اند که تاریخچه و شرح حال خاندان‌های مختلف را شناسایی و به رشته تحریر در آورند. این رشته بعدها تطورات یافت و به شاخه‌های متعددی مانند: علم انساب که در بردارنده نسب قبایل و سلسله‌های محلی است، علم حدیث که در برگیرنده زندگینامه محدثان است، مزارات که در خصوص مدفن بزرگان است، تذکره‌ها و ... تقسیم گشت. شجره‌ها و انساب قدیمی، بمثابة جریانی پویا در گسترده تاریخند که با معرفی چهره‌های برجسته فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در مقاطع مختلف، توانسته‌اند، ردپائی را در گذشت قهرآمیز زمان بر جای گذاشته و سنت دیرینه آن را که همانا به فراموشی سپردن است، بشکنند. شاید مهم‌ترین ویژگی شخصیت‌های برجسته در قرون و اعصار این بوده که آنان برخلاف مردم عامی که از محیط تأثیری می‌پذیرند، همواره با علم و تدبیر و هنر و مجاهدت خویش، محیط را متأثر ساخته‌اند و آینده زمان نیز، نام و یادى از آنان به نسل‌های آتی منعکس نموده است. هر چند که همه انساب صاحب نام در تاریخ، دوام نیافته و در برهه‌ای دچار انحطاط و زوال گردیده‌اند، ولی برخی از آنها علیرغم حوادث و تحولات اجتماعی تاکنون دوام یافته‌اند. مضافاً افرادی بنام نساب در تاریخ بوده‌اند که اهتمام وافری در حفظ سلسله نسب افراد داشته و کار نسب‌نامه نویسی را تا حدود زیادی آسان نموده‌اند.

سادات طباطبائی، در هر کجا که هستند، همگی از اعقاب ابراهیم بن اسمعیل الدیباج بن ابراهیم الغمر بن الحسین المثنی بن الامام ابی محمدالحسن بن علی بن ابیطالب، علیهم‌السلام، معروف به ابراهیم طباطبائی و یا ابراهیم طباطبا می‌باشند.

پیام بهارستان / د. س. ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰



فرهنگ فارسی

(متوسط)

تألیف
دکتر محمد معین
استاد دانشگاه تهران

جلد پنجم

(اعلام)

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	Dem. No: 92036 491503	Tas. No: MLI F
---	--------------------------	----------------

تهران ۱۳۴۵



موسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر

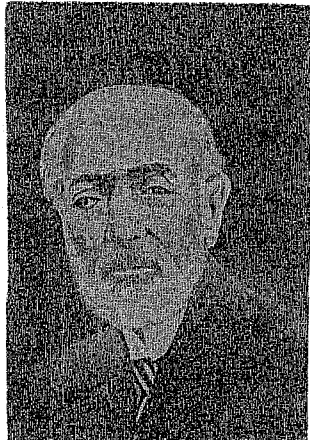
۱۰۷۷

طباطبائیان



طباطبائی (سید محمد)

ه. ق. - ۱۲۹۹ (ه. ش. .) وی و سید عبدالله بهبهانی بمخالفت علنی با استبداد پرداختند و چون عین الدوله صدراعظم آزادخواهان را سخت تحت فشار قرار داد و علاءالدوله حاکم تهران چندتن از بزرگان را بچوب بست، روحانیان بزعامت دو تن مذکور در شوال ۱۳۲۳ ه. ق. بحضرت عبدالعظیم پناهنده شدند و مقدمات انقلاب را فراهم کردند (← انقلاب مشروطیت). طباطبائی فقیهی زبردست و با اصول حکمت اسلامی آشنا بود. || فرزند وی سید محمد صادق طباطبائی از رجال دوره مشروطیت (ف. دی ماه ۱۳۴۰ ه. ش.) وی مکرر بوکالت مجلس شورای انتخاب شد و دهمین رئیس



طباطبائی (سید محمد صادق)

مجلس شورای ملی ایران است که در دوره چهاردهم ریاست داشت. **طباطبائیان** *tabātabā'-iy-ān* [ج. طباطبائی] یا بنی طباطبا، دولتی است کوچک که در زمان خلفای عباسی در کوفه پدید آمد و در آن شهر و زمین نزدیک به ۱۵۰ سال حکمرانی کرد. مؤسس این سلسله ابو عبدالله محمد بن ابراهیم طباطبا بود که مدتی اندک در کوفه حکمرانی داشت و دوست وی ابوالسرایا

طباطبا *tabātabā* [ع. وجه تسمیه آنست که وی قاف را طاء تلفظ میکرد، و بقولی طباطبا بزبان نبطی بمعنی سیدالسادات است] اسماعیل بن ابراهیم ابن حسن مثنی بن حسن ۴ بن علی ۴ ابن ابی طالب، از سادات جلیل بود، و خاندان طباطبائی بدو نسبت دارند. **۱- طباطبائی** *tabātabā'-ī* [ع. *īyy*] ابراهیم، از بزرگان شاعران عراق «عرب» (و. نجف ۱۲۴۸ - ف. نجف ۱۳۱۹ ه. ق.). وی از آغاز جوانی در پی تحصیل فنون ادبی برآمد و در شعر عربی صاحب سبک شد. دیوان اشعار او در صیدا بطبع رسیده.

۲- طباطبائی *tabātabā'-ī* [↑] (سید) علی بن محمد علی بن ابوالعالی اصفهانی، دانشمند بزرگ شیعه (و. کاظمین ۱۱۶۱ - ف. ۱۲۳۱ ه. ق.). وی شاگرد علامه بهبهانی بود. اوراست؛ شرح برمفاتیح که کتاب الصلوة آن از مسوده به مبضه نقل شده و در آن جمیع اقوال فقها را گرد آورده، شرح بر نافع بنام «ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل»، رساله ای مختصر در اصول پنجگانه شریعت.

۳- طباطبائی *tabātabā'-ī* [↑] (امیر) فیض الله بن غیاث الدین محمد طباطبائی قهپائی، از علمای شیعه در قرن ۱۱ ه. وی شاگرد مقدس اردبیلی (ف. ۹۹۳ ه. ق.) و استاد محمدتقی مجلسی (ف. ۱۰۷۰ ه. ق.) بود. اوراست؛ حاشیه بر مبحث الهیات شرح تصحیح.

۴- طباطبائی *tabātabā'-ī* [↑] (سید) محمد، آیه الله، یکی از دو پیشوای روحانی مشروطیت (و. ۱۲۵۷)

۱۰۷۶

طاهی

شیره؛ شغل اهالی زراعت و قالی بافی. **۳- طایقان** *tāyqān* ← طایقان ↓. **طایکان** *tāykān* [= طایقان، مع. [شهرکی بود در نواحی بلخ از ایالت طخارستان. دو شعبه از رود جیحون از آن میگذشت و سبز و خرم بود. **۱- طایمه** *tāyma(-e)* دهی است از دهستان کمازان، شهرستان ملایر، در ۲۴ کیلومتری جنوب شهر ملایر و ۸ کیلومتری جنوب راه شوسه ملایر به اراک؛ کوهستانی و معتدل؛ ۸۹۸ تن سکنه؛ آب از قنات؛ محصول غلات؛ شغل اهالی زراعت و قالی بافی.

۲- طایمه *tāyma(-e)* دهی است از دهستان نایین شهرستان نهاوند، در ۱۸ کیلومتری شمال راه شوسه نهاوند به کرمانشاه؛ دامنه و سردسیر؛ ۵۵۰ تن سکنه؛ آب از رودخانه خرم آباد؛ محصول غلات، توتون، حبوبات، انگور، لبنیات؛ شغل اهالی زراعت و گله داری. **طبایع الحیوان** *tābā'e ol-haya-vān* و خواصها و منافع اعضاها.

[ع. سرشتهای جانوران و خاصیتهای آنها و سودهای اعضای آنها] کتابی است بمری در معرفت حیوان، تألیف ابوسعید عبیدالله بن جبرائیل بن عبیدالله ابن بختیشوع (ه. م. ۵۰۰). از روی همین کتاب و کتاب نعت الحیوان ارسطو کتاب دیگری بنام «نعت الحیوان و منافعه» ترتیب داده شده است که نسخه آن هم در دست است.

طباریس *tebārīs* [مع. تیبیریوس *Tiberius*] ← طباریوس، تیبیریوس. **طباریوس** *tebāriyūs* [مع. تیبیریوس *Tiberius*] ← تیبیریوس (همه.)

طاهی *tāhī* سوره ایست از قرآن؛ طه (م. ه.). **طای** *tāy* دهی است از دهستان راه-رود، بخش کامیاران، شهرستان سنندج؛ در ۳۸ کیلومتری شمال غربی کامیاران و ۲ کیلومتری هندیمین؛ کوهستانی و سردسیر؛ ۱۵۳۲ تن سکنه؛ آب از چشمه؛ محصول انواع میوه، لبنیات؛ شغل اهالی باغبانی و گله داری. **طایباد** *tāybād* [مع. تایباد] ← تایباد. **طایع** *tāye* [= ع. طایع] طایع الله ← طایع.

طایف *tāyef* [= ع. طائف] شهر است در حجاز جنوبی، در ۱۲ فرسنگی مشرق مکه؛ دارای ۴۰۰۰۰ تن سکنه؛ محصول عمده انگور گواراست و مویز آن مورد مثل است. ضح. - در قدیم شهری بود از بلاد تقیف در وادی که ابتدای آن از «لقیم» و انتهای آن تا «وهیط» - که دو دهنه - بوده.

۱- طایقان *tāyqān* دهی است جزو دهستان اراضی، بخش مرکزی شهرستان قم؛ در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی قم، متصل بجاده قم - اصفهان؛ جلگه، کنار رودخانه، سردسیر؛ ۶۰۰ تن سکنه؛ آب از رودخانه؛ محصول غلات، پنبه، انار، انجیر؛ شغل اهالی زراعت و کرباس بافی.

۲- طایقان *tāyqān* دهی است جزو دهستان پشت گدار، بخش حومه شهرستان محلات، در ۱۸ کیلومتری شمال محلات و ۱۸ کیلومتری مغرب راه شوسه قم باصفهان؛ کوهستان و سردسیر؛ ۶۰۰ تن سکنه؛ آب از قنات؛ محصول غلات، پنبه، صیفی کاری، انگور،

Yayın No: 208 (Emre / İnceleme - Araştırma)

İran'da Modernleşme ve Din Adamları

Meşrutiyet Örneği

Yazarı: **Prof. Dr. Mazlum Uyar**

© Emre Yayınları 2008

Genel Yayın Yönetmeni : Şengül Yüksel - Yunus Çelik
 Yayın Editörü : Hüseyin Movit
 Düzelti : Ali Toraman
 Bilgisayar Uygulama : Emre Ajans
 Kapak Tasarımı : GDA Creative Design & Media Plain
 Baskı-Cilt : Kilim Matbaacılık Ltd. Şti.
 Litros Yolu Fatih Sanayi Sitesi
 No: 12/204 Topkapı-İstanbul
 (0 212) 612 95 59

1. Baskı Ocak 2008

©Kitabın telif hakları, Emre Yayınları'na aittir. Yayınevinden ve yazardan yazılı izin alınmadan kısmen veya tamamen alıntı yapılamaz, hiçbir şekilde kopya edilemez, çoğaltılamaz ve yayımlanamaz.

ISBN: 978-9944-334-76-1

© Emre Yayınları, 2008

Göztepe Mahallesi
 Göksu Evleri Sitesi
 Kartopu Caddesi
 B. 167.A
 34110 Kavacık-Beykoz/İSTANBUL
 Tel: (0216) 465 89 14 (4 hat)
 Fax: (0216) 465 89 18
 www.emreyayinlari.com
 online satış: www.emrebookstore.com
 e-mail: info@emreyayinlari.com

Prof. Dr. Mazlum Uyar

İRAN'DA MODERNLEŞME VE DİN ADAMLARI

Meşrutiyet Örneği

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	174121
Tas. No:	320.955 UYA.İ

Emre

B. MEŞRUTİYET TARAFTARI ULEMA VE MİRZA HÜSEYİN NÂİNİ

1. Meşrutiyet Taraftarı Şii Ulema

a. Tabâtabâî

Bu bölümde, esas olarak, Nâinî'nin hayatı ve meşrutiyete katkıları müstakil başlıklar hâlinde incelenip diğer âlimler genel olarak değerlendirilecek olmasına rağmen, onun dışında sadece Seyyid Muhammed Tabâtabâî müstakil bir başlık altında değerlendirilmiştir. Bu da, onun İran uleması arasında, reformcu düşüncenin en güçlü savunucusu olmasından kaynaklanmaktadır. Bu yüzden İran Meşrutiyet'i üzerinde çalışanlar, onu diğer ulemeden farklı bir kategoriye yerleştirirler. Reformcu bir şahsiyet olarak Tabâtabâî'nin ulema arasındaki varlığı, siyasi değişimi seküler entelektüellerin inhisarında bir konu olmaktan kurtarmıştır. Gençlik yıllarından itibaren, Malkom Han ve Mecdül-Mülk gibi yazarlar ve Sipahsalâr gibi reformculardan etkilenmiş olan Tabâtabâî, Kevâkibî gibi modernistlerin görüşlerinden de haberdardı. Onu, meşrutiyetçi ulemanın ara-

by Rashīd Riḍā in connection with Afghānī's correspondence with Shirāzī.⁹⁴

To Afghānī the main obstacle to power and progress of the Muslims was their wicked rulers. He even openly declared, in an Arabic leaflet which he published in Istanbul; that "the Iranians will not disobey the command of their religious leader; then why does the great leader, Mīrzā-yi Shirāzī, not order the people to bring down this atheist (*zindīq*) [Nāṣir al-Dīn Shāh] from his throne? I swear to God this action would not cause any bloodshed, even as little as a cupping glass (*shākh-i hajāmat*)".⁹⁵ Thus, Afghānī lays upon the *'ulamā* the responsibility of setting the masses in motion.

Since his activities were carried out in different countries and his audiences were different peoples at different times, Afghānī's writings contain many contradictory statements. However, his ultimate goal was the strengthening of the Islamic *ummah* against Western impact; to this end he co-operated with the Ottoman Sultan, Abdūl-Hamid II, in his Pan-Islamic project. Pan-Islamism outlived its founders and received a fairly wide response from the Turks, Iranians and Indians.⁹⁶

One of the active intellectual figures from the middle ranking *'ulamā*, who joined Afghānī's Pan-Islamic movement in Istanbul, was Mīrzā Abū al-Ḥasan Shaykh al-Ra'īs Qājār.⁹⁷ He was a good writer who published writings on Pan-Islamic matters at the turn of the present century. He openly stated that it was the duty of all Muslims to look upon the Ottoman Caliph as the only center of the Muslim world.⁹⁸

Pan-Islamism also influenced the high *Shī'ī 'ulamā*, including the two leading constitutionalists, Khurāsānī and Māzandarānī. In a commu-

⁹⁴ *Al-Manār*, X (1908), 826-27.

⁹⁵ Dawlatābhādī, *Hayāt*, I, p. 131.

⁹⁶ *Ibid.*, I, pp. 123-24. On Pan-Islamism, consult Keddie, *Political Biography*, pp. 129-42; Hans Kohn, *A History of Nationalism in the East*, trans. Margaret M. Green (New York, 1929), pp. 38-54. On Pan-Islamism in India, see Aziz Ahmad, *Studies in Islamic Culture in the Indian Environment* (London, 1966), pp. 55-70, and Wilfred Cantwell Smith, *Modern Islam in India: A Social Analysis* (London, 1946), p. 195 ff.

⁹⁷ Dawlatābhādī, *Hayāt*, I, pp. 98-99.

⁹⁸ Abū al-Ḥasan Shaykh al-Ra'īs Qājār, *Itihād-i Islam* (Bombay, 1894), p. 71. For the study of his thought, consult: *ibid.*; Shaykh al-Ra'īs, *Nāṣir al-Aḥām, Rāfi' al-Awhām* (Tehran, 1916); *idem*, *Muntakhab-i Naṣir az Āṣār-i Ḥazrat-i Shaykh al-Ra'īs* (Tehran, 1894). These three sources on the Shaykh are also worth reading: Maḥmūd Farhād Mu'tamid, "Nāṣir al-Dīn Shāh va Shaykh al-Ra'īs", *Yaghmā*, III (1950), 343-44; Javāhir Kalām, "Ḥujjah al-Islām-i Vālā Shāh-Zādāh Abū al-Ḥasan Mīrzā Shaykh al-Ra'īs Qājār", *Iran-i Ābād*, I, no. 11, (1959), 27-29; Muḥammad Nāṣir Mīrzā Furṣat, *Kitāb-i Āṣār-i Ājam* (Eombay, 1933), p. 529 ff.

ABDUL-HADI HAIRI

SHIT'ISM AND CONSTITUTIONALISM IN IRAN, Leiden - 1977, s. 81-87

niqé which was issued after having a meeting with an Ottoman man, Ziya Bey, the two *mujtahids* together with other high-ranking *'ulamā* residing in Iraq declared that the two Muslim nations, the Ottomans and the Persians, should become united.⁹⁹

Also separate manifestoes were issued by many *'ulamā* such as Sharī'at Iṣfahānī and Sayyid Ismā'il Ṣadr supporting Pan-Islamism.¹⁰⁰

Afghānī's activities thus exerted a great influence on the Persian clerical authorities who took a leading part in the downfall of the old régime in Iran.

3. Ṭabāṭabā'ī

The last person to be discussed in connection with liberal tendencies is Sayyid Muḥammad Ṭabāṭabā'ī. This active *mujtahid*, whom we mentioned earlier in connection with his friend, Afghānī, was, without doubt, under the intellectual influence of both Shaykh Ḥādī and Afghānī. He was, according to Nāẓim al-Islam Kirmānī, a disciple of Shaykh Ḥādī and studied ethics under him.¹⁰¹ There can be mentioned several factors in his life which were instrumental in his acquaintance with liberal thought and Western ideas. His contacts with freemasonry,¹⁰² his travels in Russia, the Arab world, and Turkey, his personal meetings with leaders and statesmen,¹⁰³ and his association with Persian secret societies,¹⁰⁴ made him informed about modernism. As mentioned above, while studying under Mīrzā Muḥammad Ḥasan Shirāzī in Sāmarrā', Ṭabāṭabā'ī had corresponded with Sayyid Jamāl al-Dīn Afghānī, obtaining instructions from the Sayyid for rising against misgovernment. Upon his arrival in Tehran in 1894, he began his campaign against the tyrannical rule of the Qājār Shāh.

Ṭabāṭabā'ī himself tells us about his coming to Tehran as follows:

"In 1894, I came to Tehran, from Sāmarrā'. Nāṣir al-Dīn Shāh had thought that Mīrzā-yi Shirāzī, may God's forgiveness be his place of return (*ghufrān ma'āb*) ... had sent me to Tehran to change the existing situation. As soon as Nāṣir al-Dīn Shāh heard of my arrival in Kirmānshāh

⁹⁹ L. B., "Press Persane", RMM, XIII (1911), 384-91. This manifesto was published in Arabic and was translated into Persian; for the Persian rendering, see the newspaper *Iran-i Naw*, September 15, 1910.

¹⁰⁰ *Al-Manār*, XIV (1911), 77. More details on the *'ulamā*'s Pan-Islam will be given in our 3rd chapter, section "The Coincidence of Two Invasions".

¹⁰¹ Nāẓim al-Islam, *Bidāri*, p. 48; see also the earlier part of the present chapter.

¹⁰² Malik-Zādah, *Inqilāb*, I, p. 217.

¹⁰³ Nāẓim al-Islam, *Bidāri*, pp. 48-50.

¹⁰⁴ *Ibid.*, p. 161.

4 SUBAT 1990

'*ulama* was represented chiefly by Shaikh Fazlallah and supported government policy; the second, a small one, was led by Tabataba'i and favoured reform; the third, probably the most substantial, followed Bihbihani, and were in league with the major merchants, their main objectives being the abolition of the customs reforms and other increases in taxation.

The position of Shaikh Fazlallah Nuri, as well as the motives of Bihbihani and his group, offers evidence in refutation of Algar's view that the Constitutional Revolution was the culmination of a long period of conflict between the '*ulama* and a state they considered illegitimate. Indeed the single piece of evidence to support his argument from this period is the speech made in December 1905 by Sayyid Jamal al-Din Isfahani, who was not a *mujtahid*, but a preacher of unorthodox views. The position of Shaikh Fazlallah's and Bihbihani's groups, in other words of the majority of the '*ulama*, must also lead to questioning of Lambton's view that the movement was a demand for the restoration of just and righteous government.¹⁵⁸ It can thus be argued that the protest of 1905 happened not because what had formerly existed had gone wrong but because something new and alien had appeared in Iranian political life, and that was a European means of government that required higher taxation. Finally, it is worth noting that there is as yet no evidence for a constitutional movement before 1906 apart from small groups of reformers who met for discussion.

Vanessa Martin
 Islam and Modernism: The Iranian
 Revolution of 1906.
 London - 1989, s. 65-85. DN: 25584

297.0955 / MAR 1

07 NISAN 1994

Tabataba'i and the Campaign for Reform

Sayyid Muhammad Tabataba'i was the leading exponent of reformist ideology among the *mujtahids* in Iran itself, and the constitutionalist writers set him apart from all the other '*ulama*.¹ Although to all appearances the '*ulama* as a group were to request reform in 1905-6, most particularly in the form of a demand for an '*adalat-khana*, or house of justice, it has been shown in the previous chapter that they were primarily concerned with the dismissal of Naus and 'Ain al-Daula. The presence of Tabataba'i as a reformer among the '*ulama* helped advance the cause of political change, which was otherwise instigated and supported largely by laymen.

Tabataba'i had been influenced from his youth by the reformist movement which included such writers as Malkum Khan and Majd al-Mulk, and such practical reformers as Sipah Salar. He had read works by modernizing thinkers, most notably Maragha'i and Kawakibi. Among his ideas was a demand for justice, which on the surface would seem to emanate from the traditional Shi'ite view of the state as oppressive and unjust, but though the influence of Shi'ism cannot be precluded, it was from European thought that Tabataba'i derived his views. In this chapter an attempt will be made to analyse the origins of Tabataba'i's ideological viewpoint and objectives, as well as to consider his role in the political process. He did not leave behind any substantial written work, but his ideas are embodied in his recorded letters and speeches, dating mainly from 1906.

Tabataba'i was born in 1257 (1840-1) the son to Sayyid Sadiq Tabataba'i, also a well-known *mujtahid*. His relatives were mostly members of the '*ulama*, and the family appear to have been established in one of the mosques in the bazaar. He began his studies under his father, who probably influenced him to take an

گنج عرفان، چاپ اول، ۱۴۲۴ق/ ۱۰۰۰ نسخه، ۳۸۶ص،
عربی، وزیری (گالینگور)، بها: ۲۵۰۰۰ریال.
شابک: ۷-۴۴-۷۹۵۸-۹۶۴
کد پارسا: B۴۹۱۰۸

عنوان متن شرح شده:

العروة الوثقی فیما تعم به البلوی

طباطبائی قمی - شرح العروة الوثقی

شرح و تبیین استدلالی عروة الوثقی است.
عروة الوثقی از متون فقهی نیمه استدلالی است که به
دلیل جامعیت، اتقان و استحکام، همواره مورد شرح و
تعلیق فقیهان واقع شده است. در این شرح تلاش شده
کلمات صاحب عروه تبیین و احتمالات مختلف هر
مسئله بیان شود. شارح با تسلط بر اقوال شارحان این
کتاب، در برخی موارد نظریات آنها را هم نقد می‌کند.
او با ذکر مستندات مسائل فقهی، از میان آیات و
روایات دیدگاههای خود را پس از تشریح جوانب
موضوع بیان می‌کند. مباحث این جلد به احکام غسل،
انواع غسل، کیفیت غسل و مستحبات و واجبات آن
اختصاص یافته است.

طباطبائی یزدی، سیدمحمد کاظم (۱۲۴۷-؟؛ ۱۳۳۸-؟ق)

شرح و

حاشیه مرتضی حائری یزدی (۱۳۱۱-۱۳۶۴)؛ با تحقیق
محمدحسین امراللهی، جلد اول، قم: جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول،
۱۴۲۵ق/ ۱۰۰۰۰ نسخه، ۵۶۸ص، عربی، وزیری (گالینگور)،
بها: ۱۰۰۰۰ریال.

شابک دوره: ۸-۱۲-۴۷-۹۶۴
چ ۶-۱۲۱-۴۷-۹۶۴

کد پارسا: B۴۸۱۵۵

عنوان متن شرح شده:

العروة الوثقی فیما تعم به البلوی

طباطبائی قمی - شرح العروة الوثقی

شرح و حاشیه بر کتاب عروة الوثقی، اثر سید
محمدکاظم یزدی است. عروة الوثقی از متون فقهی
غیر استدلالی امامیه است که تاکنون شرح بسیاری بر
آن نوشته شده و همواره از کتابهای مرجع در سطوح
عالی حوزه‌های علمیه بوده است. شارح در این کتاب،
به شیوه فقه استدلالی امامی و بر محور کتاب عروة الوثقی،
ضمن تشریح و تحلیل مسائل آن به تبیین دیدگاههای
خود پرداخته است. عناوین و سرفصلهای کتاب عبارت‌اند
از: اجتهاد و تقلید، شرایط مرجع تقلید، تقلید در اصول
دین، اقسام آب، آب کر، آب باران، غسله آب، اقسام
نجاسات، راههای اثبات نجاست و حکم ملاقی با نجس.

این رساله فقهی که مسائل مورد نیاز و ابتلای
مکلفان و مقلدان شیعی را در دو بخش عبادات و
معاملات دارد گزیده‌ای از رساله سه جلدی **منهاج
الصالحین** است و به اسلوب همان کتاب نیز تنظیم
شده است. فتاوی صاحب رساله در احکام مختلف
عبادات (طهارت، نماز، روزه، امر به معروف و نهی از
منکر، زکات و...) و معاملات (تجارت، خیار، مضاربه،
شفعه، سرقفلی، وقف، وصیت، ارث، ازدواج، نذر و قسم،
شکار و...) می‌باشد که در این رساله به سبک فقه
فتوایی بیان شده است.

طباطبائی قمی، سید تقی (۱۲۴۲-۱۳۲۵)

ع **هدایة الأعلام الی مدارک شرائع الإسلام**

الإسلام (شماره ۶۰۲۶)

شرائع الإسلام - شروح شرائع الإسلام

طباطبائی یزدی، سیدمحمد کاظم (۱۲۴۷-؟؛ ۱۳۳۸-؟ق)

ع **ایضاح الحجة فی شرح**

العروة، شرح وحاشیه محمد مظفری، جلد نهم، قم:
دارالهدی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق/ ۱۰۰۰ نسخه، ۴۹۵ص،
عربی، وزیری (گالینگور).

شابک دوره: X-۰۷-۵۹۰۲-۹۶۴
چ ۹-۴-۵۹۰۲-۹۶۴

کد پارسا: B۴۹۷۵۳

عنوان متن شرح شده:

العروة الوثقی فیما تعم به البلوی

طباطبائی قمی - شرح العروة الوثقی

این کتاب شرح و حاشیه‌ای بر کتاب **العروة
الوثقی** اثر سیدمحمدکاظم یزدی است. عروة الوثقی از
متون معتبر فقهی امامیه است که تاکنون شرح
بسیاری بر آن نوشته شده و همواره از کتابهای مرجع
در سطوح عالی حوزه‌های علمیه بوده است. شارح در
این کتاب به شیوه فقه استدلالی امامیه و بر محور
کتاب عروة الوثقی ضمن تشریح مسائل فقهی به بیان
دلایل و منابع و مصادر آن پرداخته است. عناوین
کتاب عبارت‌اند از: کیفیت تیمم، شرایط تیمم، احکام
تیمم، نمازهای واجب، نماز جمعه، نوافل، اوقات
نمازهای واجب، اوقات فضیلت نماز، وقت زوال، وقت
مغرب، وقت صبح و اوقات نوافل یومیه.

طباطبائی یزدی، سیدمحمد کاظم (۱۲۴۷-؟؛ ۱۳۳۸-؟ق)

ع **ذخیره العقبی فی شرح**

العروة الوثقی، شرح وحاشیه علی صافی گلپایگانی، قم:

طباطبائی حکیم، سیدمحمد سعید (۱۹۳۵-م)

ع **رساله احکام فقهی**، ۲جلد/

جلد اول و دوم، قم: دفتر آیت‌الله العظمی سیدمحمد
سعید طباطبائی حکیم، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق/ ۳۰۰۰ نسخه،
فارسی، وزیری (شمیز).

کد پارسا: B۴۹۷۷۵ Tabataba'i

ویژگی مجلدات

جلد ۱: عنوان فرعی: عبادات، شابک ۰-۲۵-۸۲۷۶-۹۶۴

ص ۲۸۹

جلد ۲: عنوان فرعی: معاملات، شابک ۹-۲۶-۸۲۷۶-۹۶۴

ص ۵۲۲

ع **منابع فقهی شیعه - منابع فقهی معاصر**

شیعه - رساله‌های عملیه

22 EKIM 2008

داشت .

یکی از سعادت‌های بزرگ من این بود که در دوره دکتری با او هم‌دوره و هم‌درس بودم و اکثر شبها در اطاق مطالعه تمیز و کوچک و زیبای او تا دقایقی چند مانده به نیمه شب با او مذاکره و مباحثه علمی داشتم و هر چند گاه يك بار با خواهش بسیار او را به کلبه خود دعوت می کردم و از محضر پرفیض و پربرکت او لذت می بردم و در همه حال دوستی او را معتنم می شمردم .

قریب به یکسال قبل از مرگ به دیدن من آمد . از من خواست اگر مدارك و اسناد منتشر نشده‌ای از مرحوم طباطبائی رهبر انقلاب مشروطیت در دست دارم برای مطالعه به او بدهم . من با توجه به ایمان کاملی که بتقوای او و کثرت علاقه‌ای که به او داشتم باشادی تمام اسنادی را که به مرور زمان و در طی سالها گردآوری کرده بودم با انضمام تمام فیثها و یادداشتها در اختیار او گذاشتم . هنگام خدا حافظی بشوخی گفتم این اسناد را نگه میداشتم تا خودم در سر فرصت مقاله‌ای تهیه کنم . شننده‌ای کرد و فرمود :

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد جان های مردان خداست

پس از چندی یادداشت‌ها و اسناد را بطور کامل به انضمام يك مقاله پس داد و گفت : مقاله‌ای که می‌خواهی تهیه کردم ، اگر مطلوب تست در نشریه‌ای که دلت می‌خواهد چاپ کن . مقاله را خواندم و اطلاعاتی بیش از آن چه که به او داده بودم یافتم و علاقه‌مند شدم که آن را با استمداد از خود او گسترش دهم و همراه با عکس‌ها و کلیشه‌های اسناد بصورت رساله‌ای در آورم و امیدوارم روزی این کار را انجام دهم : اینک او از دست رفته است و من نیز تا کنون کار دیگران را بنام خود چاپ نکرده‌ام و از انجام چنین عمل مشمئزکننده‌ای ابا دارم و آن را نشانه کمال بی‌همتی می‌دانم . بنابراین مقاله مذکور را بدون هیچ نوع تغییر و تبدیلی بیاد او و بنام او چاپ می‌کنم و برای او طلب

آمزش می‌کنم اگر چه آمرزیده است . گمان می‌کنم این آخرین مقاله تحقیقی او باشد .

محمد اسمعیل رضوانی

آقا سید محمد طباطبائی

آقا سید محمد طباطبائی معروف به آقا کوچک پسر مرحوم آقا سید صادق طباطبائی سنگلجی و از خانواده آقا میر سید علی صاحب ریاض است . چه پدرش نواده دختری سید محمد مجاهد پسر آقا میر سید علی مذکور است . آقا سید محمد در ۱۹ ذی‌الحجه ۱۲۵۳ هـ . ق. در کربلا متولد شد و پس از يك سال او را به همدان نزد پدر بزرگش آقا سید مهدی بردند و شش سال در آن شهر نزد جدش بود ، آن‌گاه او را به طهران آوردند و در این جا او را به مکتب سپردند . معلم او ملا پراهمیم جو شقانی و یکی از همشاگردیهایش محمد حسن خان اعتماد السلطنه بعدی^۲ بود .

در آن زمان چون مقدمات تحصیلات جدید در ایران فراهم می‌شد آقا سید محمد هم با اینکه روحانی زاده بود تحصیل زبان فرانسه را آغاز کرد اما گویا این رشته را چندان تعقیب نکرد . صفحه‌هایی از لغت‌هایی که احتمالاً برای حفظ کردن نوشته در دست است .

از نظر تحصیلات دینی، فقه و اصول را پیش آقا شیخ هادی نجم آبادی^۲ و پدرش خواند و معقول را نزد میرزای جلوه .

در شوال ۱۲۹۹ هـ ، ق از راه استانبول به مکه مشرف شد ولی به حج نرسید و عمره را بجا آورده در مراجعت به عتبات عالیات رفت و در حوزة درس مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی به ادامه تحصیل پرداخت و چون اندکی بعد پدرش درگذشت زن و فرزندانش را هم به سامره که مرکز تحصیل او بود خواست . پسر بزرگش سید ابوالقاسم اکنون به حد رشد رسیده بود و در آنجا تحصیلات

۱- تاریخ بیداری، بنیاد فرهنگ، مقدمه، ص ۶۲ و روزنامه شرافت نمره ۶۴، محرم ۱۳۲۰ .

۲- خاطرات اعتماد السلطنه ، ج ۱، ص ۱۰۶۶ .

۳- رجال ایران ، جلد ۴ ، ص ۴۰۹ .

Le volume est composé des huit contributions suivantes :

– ‘A. A. Šādeqī : « Kalamāt-e morakkab-e sāhte šode bā setāk-e fe’l » [Les noms composés à partir d’un radical verbal].

– O. Ṭabībzāde : « Vābaste-hā-ye fe’l dar zabān-e fārsī bar asās-e nazariye-ye vābastegī » [Les actants verbaux en persan dans le cadre des grammaires de dépendance].

– M. ‘Āšī : « Pardāzeš-e dastūrī-e zabān-e fārsī bā rāyāne » [Le traitement automatique du persan].

– M. Monšīzāde : « Negāhī tāze be šefat-e liyāqat » [Un nouveau regard sur les adjectifs de *liyāqat* en persan].

– ‘A. Ṭabāṭabā’ī : « Ḥaḍf-e hamkard dar vāze-hā-ye morakkab-e fe’lī ».

– S. M. T. Ṭayyeb : « Barḥī sāhtār-hā-ye dastūrī-e gūne-ye še’rī-e zabān-e fārsī » [Quelques constructions syntaxiques propres à la poésie en persan].

– A. Golfām : « Padīde-ye jāndārī dar zabān-e fārsī » [Le trait animé en persan].

– M. Dabīrmoqaddam : « Zabān-e fārsī va nazariye-hā-ye zabānī. Dar jostojū-ye čārcūbī barāye tadvīn-e dastūr-e jāme’-e zabān-e fārsī » [La langue persane et les théories linguistiques. A la recherche d’un cadre théorique pour l’élaboration d’une grammaire du persan].

Les articles d’‘A. A. Šādeqī et de ‘A. Ṭabāṭabā’ī sont consacrés à la question de la composition en persan, portant respectivement sur les noms et les adjectifs composés. Le premier examine trois classes de noms composés dont le second composant est un

radical verbal. La première classe, la plus productive des trois, comporte des composés dans lesquels le premier élément peut être interprété comme le complément d’objet direct du radical verbal. Dans la deuxième classe, le second élément s’interprète comme le complément d’objet indirect du verbe. L’A. accorde une attention particulière à la troisième classe, certes moins fournie mais plus intéressante d’un point de vue typologique, où le premier élément du composé s’interprète comme le sujet du radical verbal. ‘A. Ṭabāṭabā’ī étudie la formation des adjectifs composés tels que *dāneš-dūst* ou *zūd-bāvar*, dans lesquels le second composant, qui est un élément nominal, reçoit une interprétation similaire à une base verbale, telle que *jū* dans *dāneš-jū*.

O. Ṭabībzāde aborde dans son article le statut des actants (ou arguments) verbaux en persan. Après une brève comparaison du modèle génératif et de certaines versions des grammaires de dépendance, l’A. adopte ce dernier cadre pour mettre en évidence les propriétés des différents types d’arguments verbaux en persan.

M. ‘Āšī propose un panorama des applications informatisées de l’analyse phonologique, morphologique et syntaxique du persan. L’A. dresse une liste de problématiques pertinentes pour chaque domaine et présente brièvement les tentatives de résolution proposées dans différents cadres.

La contribution de M. Monšīzāde porte sur les adjectifs de *liyāqat* en persan. Il s’agit d’adjectifs dérivés d’une base verbale, tels *āšāmīdanī* ‘potable’ à partir d’*āšāmīdan* ‘boire’. En expliquant leurs propriétés modales dans leur relation avec la base verbale, l’A. propose une répartition en deux classes de ces adjectifs.

Dans son article, S. M. T. Ṭayyeb identifie et décrit trois procédés syntaxiques propres à la poésie en persan : a) répétition, b) mouvements, et c) structures spécifiques à la versification.

A. Golfām examine la pertinence du concept sémantico-cognitif de [+animé] dans la structure du persan, en particulier dans le choix du sujet syntaxique et l’ordre de mots, ainsi que dans les constructions passive et causative.

En prenant appui sur une partie des études consacrées au morphème *rā* dans différents cadres théoriques au cours de ces vingt dernières années, M. Dabīrmoqaddam pose la question du choix d’un modèle et des critères permettant d’en évaluer l’adéquation pour la description des données du persan.

P.S.